

ضرورت بازتعریف کار آفرینی



ششم مرداد، روز ملی کار آفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، تنها یک مناسبت تقویمی نیست؛ بلکه فرصتی است برای بازنگری در یکی از مهم‌ترین مولفه‌های توسعه اقتصادی. در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌هایی همچون رشد پایین سرمایه‌گذاری، نرخ بالای بیکاری، کاهش بهره‌وری، محدودیت منابع مالی و فشارهای ناشی از تورم و تحریم‌روبه‌رواست، کار آفرینی دیگر یک انتخاب یا شعار نیست، بلکه ضرورتی برای حفظ پویایی اقتصاد و ایجاد اشتغال پایدار به شمار می‌رود. تجربه اقتصادهای موفق جهان نیز نشان می‌دهد موتور اصلی رشد اقتصادی، نه صرفاً افزایش هزینه‌های دولت، بلکه شکوفایی بخش خصوصی و فراهم شدن بستر فعالیت کارآفرینان است.

این درحالی است که اقتصاد ایران سال‌هاست بیش از آنکه با کمبود ایده مواجه‌باشد، از ضعف در تبدیل ایده به کسب‌وکار رنج می‌برد. هزاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی، پژوهشگر و نیروی متخصص هر سال وارد بازار کار می‌شوند، اما سهم اندکی از آنان فرصت می‌یابند دانش و خلاقیت خود را به یک فعالیت اقتصادی پایدار تبدیل کنند. نتیجه این وضعیت، کاهش نرخ تشکیل بنگاه‌های جدید، مهاجرت سرمایه‌های انسانی، گسترش مشاغل غیر رسمی و از دست رفتن ظرفیت‌های تولیدی کشور است.

کار آفرینی زمانی شکل می‌گیرد که اقتصاد از ثبات، شفافیت و قابلیت پیش‌بینی بر خوردار باشد. هیچ سرمایه‌گذاری حاضر نیست در فضایی که نرخ تورم، نرخ ارز، قوانین مالیاتی، مقررات تجاری و هزینه‌های تولید به‌طور مداوم در حال تغییر است، سرمایه خود را به یک فعالیت بلندمدت اختصاص دهد. از این منظر، بزرگ‌ترین حمایت از کار آفرینی نه پرداخت تسهیلات مقطعی، بلکه ایجاد محیطی امن برای تصمیم‌گیری اقتصادی است.

از سوی دیگر، بروکراسی پیچیده همچنان یکی از بزرگ‌ترین موانع فعالیت کارآفرینان محسوب می‌شود. طولانی بودن فرآیند صدور مجوزها، تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر، تغییر مکرر مقررات و هزینه‌های بالای شروع کسب‌وکار، انگیزه ورود بسیاری از جوانان به عرصه تولید و خدمات را کاهش داده‌است. در چنین شرایطی، سرمایه به جای حرکت به سمت تولید، به بازارهای غیرمولد و فعالیت‌های سفینه‌پازانه هدایت می‌شود؛ روندی که نه اشتغال ایجاد می‌کند و نه ارزش افزوده پایدار.

در این میان، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. یکی از مشکلات ساختاری بازار کار ایران، فاصله میان نظام آموزشی و نیاز واقعی بنگاه‌های اقتصادی است. بسیاری از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی از مهارت‌های مورد نیاز بازار بر خوردار نیستند و در مقابل، بسیاری از واحدهای تولیدی با کمبود نیروی ماهر مواجه‌اند. توسعه آموزش‌های مهارتی، به‌روزرسانی استانداردهای آموزشی و تقویت ارتباط میان مراکز فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌ها و صنایع، می‌تواند این شکاف را کاهش داده و زمینه‌شکل‌گیری کسب‌وکارهای جدید را فراهم کند.

البته نباید کار آفرینی را صرفاً به شرکت‌های صنعت بنیان یا استارت‌آپ‌های نوآوری و محدود کرد. بخش‌های متنوع، معدن، کشاورزی، گردشگری، خدمات، صنایع دستی و حتی اقتصاد دیجیتال، همگی ظرفیت‌های گسترده‌ای برای خلق ارزش افزوده و اشتغال دارند. کشوری با منابع غنی معدنی، موقعیت ژئوپلیتیکی ممتاز، بازار داخلی بزرگ و نیروی انسانی تحصیل‌کرده، از ظرفیت‌های لازم برای جهش کار آفرینی برخوردار است؛ آنچه این ظرفیت‌ها را بالفعل می‌کند، اصلاح محیط کسب‌وکار و اعتماد به بخش خصوصی است.

امروز رقابت اقتصادها بیش از آنکه بر سر منابع طبیعی باشد، بر سر جذب و حفظ کارآفرینان است. سرمایه مالی در جهانی که جریان سرمایه به سرعت جابه‌جا می‌شود، همواره به دنبال محیطی امن و سودآور حرکت می‌کند. اما سرمایه‌انسانی خلق اگر از دست برود، بازگرداندن آن بسیار دشوار خواهد بود. از این رو، سیاست‌گذاری اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که کارآفرین، تولیدکننده و نوآور، آینده فعالیت خود را در داخل کشور ببیند، نه در اقتصادهای رقیب. روز ملی کار آفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، یادآور یک واقعیت مهم است؛ اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به اصلاحات ساختاری در فضای کسب‌وکار نیاز دارد. کاهش مداخلات غیر ضرور، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، تسهیل سرمایه‌گذاری، گسترش آموزش‌های مهارتی و تقویت امنیت سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین پیش‌نیازهای شکل‌گیری اقتصاد کارآفرین‌محور هستند. تازمانی که این الزامات محقق نشود، حمایت‌های مقطعی و بسته‌های تشویقی نمی‌توانند جای خالی یک محیط اقتصادی رقابتی و قابل پیش‌بینی را پر کنند. نکته قابل تأمل آنکه، مهم‌ترین تفاوت ایران با کشورهای توسعه یافته در حوزه کار آفرینی، جایگاه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اقتصاد است. در بسیاری از اقتصادهای پیشرفته، آموزش‌های مهارتی به‌طور مستقیم با نیاز بازار کار، صنایع و بنگاه‌های اقتصادی پیوند محکم و بخش قابل توجهی از کارآفرینان از دل همین نظام آموزشی وارد عرصه تولید و کسب‌وکار می‌شوند. مراکز فنی و حرفه‌ای در این کشورها صرفاً آموزش‌دهنده مهارت نیستند، بلکه به مراکزی برای پرورش ایده، توسعه فناوری، ارائه مشاوره کسب‌وکار، ارتباط با صنعت و حتی جذب سرمایه تبدیل شده‌اند. در مقابل، در ایران هنوز میان نظام مهارت‌آموزی، دانشگاه‌ها، صنعت و بازار کار شکاف قابل توجهی وجود دارد. بسیاری از مهارت‌آموزان پس از پایان دوره‌ها با کمبود فرصت‌های شغلی، دشواری تأمین سرمایه اولیه، پیچیدگی‌های اداری و نبود شبکه‌های حمایتی برای راه‌اندازی کسب‌وکار مواجه می‌شوند. این نتیجه، آموزش مهارت در بسیاری از موارد به اشتغال و کار آفرینی پایدار منجر نمی‌شود و بخش مهمی از ظرفیت سرمایه انسانی کشور بااستفاده می‌ماند.

در نهایت، کار آفرینی را باید نه یک موضوع اجتماعی یا آموزشی، بلکه یک راهبرد اقتصادی دانست. هر بنگاه جدیدی که شکل می‌گیرد، در ایده‌ای که به محصول تبدیل می‌شود و هر فرصت شغلی که توسط یک کارآفرین ایجاد می‌شود، گامی در مسیر افزایش تولید، رشد بهره‌وری و تقویت یادآوری اقتصاد ملی است. اگر قرار است اقتصاد ایران به رشد پایدار، اشتغال مولد و توسعه واقعی دست یابد، باید کار آفرینی از حاشیه سیاست‌گذاری به متن تصمیم‌های اقتصادی کشور منتقل شود. کار آفرینی زمانی به موتور محرک اقتصاد تبدیل می‌شود که از مرحله آموزش تا ورود به بازار، یک زنجیره منسجم میان مهارت‌آموزی، سرمایه‌گذاری، تولید و سیاست‌گذاری شکل گرفته باشد. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای زمانی اثربخش هستند که مستقیماً به نیازهای صنعت و بازار کار متصل شوند و بستر لازم برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید را فراهم کنند. در ایران نیز سرمایه انسانی، استعدادهای جوان و ظرفیت‌های گسترده تولیدی وجود دارد، اما شکاف میان نظام آموزشی، بازار کار و فضای کسب‌وکار، مانع از تبدیل این ظرفیت‌ها به ثروت و اشتغال پایدار شده است. از این رو، روز ملی کار آفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید بیش از آنکه یک مناسبت نمادین باشد، یادآور ضرورت اصلاح سیاست‌های اقتصادی، توسعه آموزش‌های مهارتی و بهبود محیط کسب‌وکار باشد؛ چرا که آینده اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به کار آفرینانی وابسته است که در فضایی باثبات، رقابتی و مبتنی بر مهارت، بتوانند ایده را به تولید، اشتغال و رشد اقتصادی تبدیل کنند.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

مرگ تدریجی کار آفرینی

داده‌اند. در چنین شرایطی، بسیاری از صاحبان ایده به جای تمرکز بر نوآوری و توسعه، بخش قابل توجهی از توان خود را صرف عبور از موانع اداری و تأمین منابع مالی می‌کنند. کارشناسان اقتصادی بر این باورند که حمایت از کار آفرینی تنها به پرداخت تسهیلات یا ارائه مشوق‌های مالی محدود نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد محیطی باثبات، رقابتی و قابل پیش‌بینی برای فعالیت اقتصادی است. اصلاح فضای کسب‌وکار، کاهش بروکراسی، توسعه آموزش‌های مهارتی متناسب با نیاز بازار، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها، تقویت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و گسترش ارتباط دانشگاه، مراکز مهارتی و صنعت، از مهم‌ترین اقداماتی است که می‌تواند زمینه شکوفایی استعدادهای کارآفرینانه را فراهم کند.

در نهایت، روز ملی کار آفرینی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تنها یک مناسبت تقویمی نیست، بلکه یادآور این واقعیت است که آینده اقتصاد ایران در گرو تربیت نیروی انسانی ماهر، حمایت از نوآوری و فراهم کردن بستری مناسب برای فعالیت کارآفرینان است. هرچه سیاست‌گذاری‌ها بیشتر به سمت تسهیل کسب‌وکار، ثبات اقتصادی و ارتقای مهارت‌های تخصصی حرکت کند، امکان خلق ثروت، افزایش اشتغال و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار نیز بیش از پیش فراهم خواهد شد.

دوروی سکه کار آفرینی

مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، آنچه کمتر به آن پرداخته می‌شود، واقعیت‌های این مسیر است. کار آفرینی تنها به داشتن یک ایده خلاقانه محدود نمی‌شود، بلکه نیازمند محیطی باثبات، دسترسی به منابع مالی،

فرصت‌هایی که نباید نادیده گرفت

زمینه مناسبی برای شکل‌گیری ایده‌های جدید فراهم کرده است. از سوی دیگر، سیاست‌های کلان کشور نیز در سال‌های اخیر بر حمایت از تولید داخلی، شرکت‌های دانش‌بنیان و کسب‌وکارهای نوآور متمرکز بوده است. ارائه تسهیلات، معافیت‌های مالیاتی، ایجاد مراکز رشد، پارک‌های علم و فناوری و شتاب‌دهنده‌های کسب‌وکار از جمله اقداماتی است که مسیر فعالیت کارآفرینان را نسبت به گذشته هموارتر کرده است.

چالش‌هایی که مسیر را دشوار می‌کنند

سال‌های اخیر اقدامات مثبتی برای تسهیل فضای کسب‌وکار انجام شده، اما همچنان بسیاری از فعالان اقتصادی بروکراسی اداری را یکی از موانع اصلی آغاز فعالیت می‌دانند.

🔴 **فرهنگ‌سازی: حلقه‌ای که هنوز کامل نشده است**

اگرچه جامعه ایران نسبت به گذشته پذیرش بیشتری در برابر فناوری و خدمات نوین پیدا کرده، اما موفقیت همه ایده‌ها تضمین‌شده نیست. تفاوت‌های فرهنگی، شرایط اقتصادی و سبک زندگی در مناطق مختلف کشور موجب می‌شود پذیرش برخی محصولات و خدمات جدید به زمان و فرهنگ‌سازی نیاز داشته باشد. از این رو، کارآفرینان علاوه بر ارائه محصول، باید اعتمادسازی، آموزش مشتریان و معرفی مزیت‌های خدمات خود را نیز در برنامه‌های توسعه کسب‌وکار قرار دهند.

🔴 **مالکیت فکری: چالشی برای نوآوری**

یکی دیگر از دغدغه‌های کارآفرینان، حمایت ناکافی از حقوق مالکیت فکری است. در

یکی از مهم‌ترین مزیت‌های کارآفرینی در ایران، افزایش پذیرش فناوری و خدمات نوین در میان مردم است. گسترش اینترنت، توسعه تلفن‌های هوشمند و آشنایی بیشتر جامعه با خدمات آنلاین موجب شده مقاومت در برابر کسب‌وکارهای نوآور نسبت به سال‌های گذشته کاهش یابد. اگر در گذشته خرید اینترنتی یا استفاده از تاکسی‌های آنلاین برای بسیاری از مردم تجربه‌ای ناشناخته بود، امروز این خدمات به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده‌اند و همین موضوع،

در مقابل این فرصت‌ها، کارآفرینان با مشکلات متعددی نیز روبه‌رو هستند. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، دشواری تأمین مالی است. نرخ بالای سود تسهیلات، سخت‌گیری بانک‌ها در پرداخت وام، نیاز به وثایق سنگین و محدود بودن سرمایه‌گذاری خطرپذیر، موجب شده بسیاری از ایده‌های نوآورانه هرگز فرصت ورود به بازار را پیدا نکنند. در حالی که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته بخش قابل توجهی از تأمین مالی استارت‌آپ‌ها از طریق صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر و سرمایه‌گذاران خصوصی انجام می‌شود، در ایران همچنان اتکال اصلی به نظام بانکی است. از سوی دیگر، بی‌ثباتی اقتصادی، تورم، نوسانات نرخ ارز و تغییر مکرر قوانین و مقررات، برنامه‌ریزی بلندمدت را برای فعالان اقتصادی دشوار کرده است. کارآفرین علاوه بر ریسک‌های طبیعی بازار، ناچار است اثار تغییر سیاست‌های اقتصادی، هزینه‌های بیمه، مالیات و مقررات اداری را نیز مدیریت کند؛ موضوعی که هزینه تولید و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد. یکی دیگر از چالش‌های مهم، زمان‌بر بودن فرآیندهای اداری و دریافت مجوزهاست. هرچند در

شرایط اقتصادی، قوانین، سیاست‌های حمایتی و ساختار بازار در هر کشور متفاوت است؛ بنابراین نمی‌توان مسیر یک کارآفرین ایرانی را با هم‌نمایان خود در کشورهای توسعه‌یافته مقایسه کرد. هرچند ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی مانند نیروی انسانی جوان، بازار مصرف بزرگ، توسعه فناوری، گسترش اقتصاد دیجیتال و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان بر خوردار است، اما وجود برخی موانع ساختاری باعث شده مسیر تبدیل ایده به کسب‌وکار همچنان دشوار باشد. در مقابل، تجربه کشورهای پیشرو نشان می‌دهد موفقیت در کار آفرینی بیش از آنکه به تعداد ایده‌های خلاقانه وابسته باشد، به کیفیت محیط کسب‌وکار، ثبات سیاست‌گذاری و میزان حمایت از نوآوری ارتباط دارد. امروزه کشورهای مختلف تلاش می‌کنند با تقویت اکوسیستم کارآفرینی، سهم بیشتری از اقتصاد جهانی را در اختیار بگیرند. در این میان، ایالات متحده همچنان یکی از موفق‌ترین الگوهای کارآفرینی به شمار می‌رود. بخش بزرگی از شرکت‌های بزرگ فناوری جهان از دل یک اکوسیستم شکل گرفته‌اند که ویژگی اصلی آن، دسترسی آسان به سرمایه‌گذاری خطرپذیر، حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری، ارتباط نزدیک دانشگاه‌ها با صنعت و پذیرش ریسک در فضای اقتصادی است. در این کشور، شکست یک کسب‌وکار پایان مسیر محسوب نمی‌شود، بلکه تجربه‌ای ارزشمند برای آغاز فعالیتی جدید تلقی می‌شود؛ موضوعی که فرهنگ کار آفرینی را تقویت کرده است. سنگاپور نیز نمونه دیگری از اقتصادهای موفق در این حوزه است. این کشور کوچک با وجود محدودیت منابع طبیعی، توانسته با تکیه بر ثبات اقتصادی، قوانین شفاف، مبارزه با فساد، سرعت بالای صدور مجوزها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به یکی از قطب‌های کارآفرینی آسیا تبدیل شود. در سنگاپور، راه‌اندازی یک کسب‌وکار طی مدت کوتاهی امکان‌پذیر است و دولت بیشتر از آنکه در نقش یک بنگاه اقتصادی ظاهر شود، نقش تسهیل‌گر و تنظیم‌گر را بر عهده دارد.

شرایط اقتصادی، قوانین، سیاست‌های حمایتی و ساختار بازار در هر کشور متفاوت است؛ بنابراین نمی‌توان مسیر یک کارآفرین ایرانی را با هم‌نمایان خود در کشورهای توسعه‌یافته مقایسه کرد. هرچند ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی مانند نیروی انسانی جوان، بازار مصرف بزرگ، توسعه فناوری، گسترش اقتصاد دیجیتال و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان بر خوردار است، اما وجود برخی موانع ساختاری باعث شده مسیر تبدیل ایده به کسب‌وکار همچنان دشوار باشد. در مقابل، تجربه کشورهای پیشرو نشان می‌دهد موفقیت در کار آفرینی بیش از آنکه به تعداد ایده‌های خلاقانه وابسته باشد، به کیفیت محیط کسب‌وکار، ثبات سیاست‌گذاری و میزان حمایت از نوآوری ارتباط دارد. امروزه کشورهای مختلف تلاش می‌کنند با تقویت اکوسیستم کارآفرینی، سهم بیشتری از اقتصاد جهانی را در اختیار بگیرند. در این میان، ایالات متحده همچنان یکی از موفق‌ترین الگوهای کارآفرینی به شمار می‌رود. بخش بزرگی از شرکت‌های بزرگ فناوری جهان از دل یک اکوسیستم شکل گرفته‌اند که ویژگی اصلی آن، دسترسی آسان به سرمایه‌گذاری خطرپذیر، حمایت مؤثر از حقوق مالکیت فکری، ارتباط نزدیک دانشگاه‌ها با صنعت و پذیرش ریسک در فضای اقتصادی است. در این کشور، شکست یک کسب‌وکار پایان مسیر محسوب نمی‌شود، بلکه تجربه‌ای ارزشمند برای آغاز فعالیتی جدید تلقی می‌شود؛ موضوعی که فرهنگ کار آفرینی را تقویت کرده است. سنگاپور نیز نمونه دیگری از اقتصادهای موفق در این حوزه است. این کشور کوچک با وجود محدودیت منابع طبیعی، توانسته با تکیه بر ثبات اقتصادی، قوانین شفاف، مبارزه با فساد، سرعت بالای صدور مجوزها و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، به یکی از قطب‌های کارآفرینی آسیا تبدیل شود. در سنگاپور، راه‌اندازی یک کسب‌وکار طی مدت کوتاهی امکان‌پذیر است و دولت بیشتر از آنکه در نقش یک بنگاه اقتصادی ظاهر شود، نقش تسهیل‌گر و تنظیم‌گر را بر عهده دارد.

یادداشت

کره جنوبی نیز مسیر متفاوت اما موفق‌ی را طی کرده است. این کشور با سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش، پژوهش، فناوری و مهارت‌آموزی توانست ظرف چند دهه از اقتصادی وابسته به کشاورزی به یکی از قدرت‌های صنعتی و فناوری جهان تبدیل شود. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کره جنوبی ارتباط مستقیمی با نیاز صنایع دارد و بسیاری از دانش‌آموختگان از همان دوران تحصیل با محیط واقعی کسب‌وکار آشنا می‌شوند. نتیجه چنین رویکردی، شکل‌گیری شرکت‌های کوچک بزرگ صنعتی و هزاران کسب‌وکار متوسطی بوده است که ستون فقرات اقتصاد این کشور را تشکیل می‌دهند.

آلمان نیز نمونه‌ای موفق از پیوند میان آموزش‌های مهارتی و کار آفرینی است. نظام آموزش دوگانه این کشور که آموزش نظری را با کار عملی در بنگاه‌های اقتصادی تلفیق می‌کند، موجب شده نیروی کار ماهر به سرعت جذب بازار شود و بسیاری از افراد پس از کسب تجربه، کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کنند. بخش قابل توجهی از قدرت اقتصادی آلمان نیز بر دوش شرکت‌های کوچک و متوسط خانوادگی قرار دارد که با نوآوری، کیفیت و صادرات توانسته‌اند جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد جهانی پیدا کنند.

نکته مشترک در تجربه این کشورها، میزان حمایت مالی دولت نیست، بلکه کیفیت محیط کسب‌وکار است. قوانین پایدار، نظام قضایی قابل اعتماد، حمایت واقعی از مالکیت فکری، دسترسی به منابع مالی متنوع، بازار سرمایه پویا، سرمایه‌گذاری خطرپذیر، مالیات شفاف، بروکراسی محدود و ثبات اقتصاد کلان، مهم‌ترین عواملی هستند که ریسک فعالیت اقتصادی را کاهش داده و انگیزه کارآفرینی را افزایش داده‌اند.

در نهایت، تجربه اقتصادهای موفق نشان می‌دهد که کار آفرینی محصول دستور و یخشانمه نیست، بلکه نتیجه شکل‌گیری یک اکوسیستم پویا و رقابتی است. هر

کالبدشکافی ائتلاف منابع در اقتصاد تورمی ایران

شرایطی که سرانه در آمد و قدرت خرید شهروندان در بریتانیا به شکل معناداری بالاتر از ایران است، سرانه ضایعات خانگی در این کشور اروپایی ۷۶ کیلوگرم در سال ثبت شده است. این شفاف ۱۷ کیلوگرمی می‌نشان می‌دهد که بریتانیا با تکیه بر برنامه‌های ملی آگاهی‌بخشی و اصلاح الگوهای توزیع، موفق به کاهش مستمر هدررفت غذا شده است. این داده‌های تجربی عملانظریه کشایش «ابطه مستقیم سطح درآمد و میزان اسراف» را رد می‌کنند؛ چرا که نشان می‌دهند در بستریک نظام اقتصادی تورم‌زده و کم‌درآمدنیز ممکن است نرخ‌اتلاف به دلیل الگوهای رفتاری ناآگاه‌درم و نقایص ساختاری، بسیار بالا باشد. از منظر اقتصاد کلان، ابعاد این هدررفت زمانی فاجعه‌بار تر جلوه می‌کند که بدینم طبق‌برآوردهای سازمان جهانی خواربار و کشاورزی (FAO)، حجم کل ضایعات و اتلاف مواد غذایی در زنجیره تأمین مصرف ایران سالانه بالغ بر ۳۵ میلیون تن است. ارزش مالی این حجم از اتلاف، حدود ۵۱ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که با بخشی از درآمدهای ارزی کشور برابری می‌کند. در تحلیل ساختار اقتصادی ایران، دوربر زمانهات غذایی ۱۵ میلیون نفر در سال، نشان‌دهنده یک ناترازی عمیق ساختاری است که «امنیت غذایی» کشور را به شدت تهدید می‌کند.

🔴 **ریشه‌یابی ناترازی: زنجیره تولید با رفتار مصرف‌کننده؟**

بررسی‌های آکادمیک نشان می‌دهد که تقلیل دادن کل این بحران به فرهنگ‌نادرست مصرف در جامعه، نادیده گرفتن ریشه‌های ساختاری مسئله است. بر اساس مطالعات کارشناسی معاونت اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران، بیش از ۳۰ درصد از اتلاف مواد غذایی در کشور، پیش از رسیدن به سفره مصرف‌کننده و در طول زنجیره

این مناسبت فرصتی است تا نقش کارآفرینان در توسعه اقتصادی، افزایش بهره‌وری، رونق تولید و کاهش بیکاری بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد؛ چرا که تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد رشد پایدار اقتصادی بدون تقویت کارآفرینی و حمایت از بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست. در اقتصاد امروز، کارآفرینی تنها به معنای تأسیس یک شرکت یا راه‌اندازی یک واحد تولیدی نیست، بلکه فرآیندی است که از دل آن ایده‌های نو به محصولات و خدمات جدید تبدیل می‌شوند و زمینه خلق ثروت، افزایش رقابت‌پذیری و ارتقای فناوری را فراهم می‌کنند. از همین رو، کارآفرینان به عنوان موتور محرک اقتصاد شناخته می‌شوند و نقش مهمی در جذب سرمایه، توسعه صادرات، افزایش بهره‌وری و ایجاد فرصت‌های شغلی ایفا می‌کنند. کارشناسان اقتصادی معتقدند اگرچه حمایت‌های مالی از کارآفرینان ضروری است، اما مهم‌تر از آن ایجاد محیطی امن، قابل پیش‌بینی و رقابتی برای فعالیت اقتصادی است. اصلاح فضای کسب‌وکار، کاهش بروکراسی، ثبات در سیاست‌گذاری، تسهیل دسترسی به منابع مالی، حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها و تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت، از جمله اقداماتی است که می‌تواند زمینه شکوفایی استعدادهای کارآفرینانه را فراهم کند. پرونده این شماره صمت به همین مناسبت منتشر شده است.

قوانین شفاف و مهارت‌های تخصصی است. از همین رو، بسیاری از کارشناسان معتقدند کار آفرینی در ایران را می‌توان به سکه‌ای تشبیه کرد که یک روی آن فرصت‌های گسترده و روی دیگر آن چالش‌های ساختاری قرار دارد.

ایران همچنین به دلیل قرار گرفتن در میان کشورهای در حال توسعه، ظرفیت بالایی برای بومی‌سازی ایده‌های موفق جهانی دارد. تجربه موفق کسب‌وکارهایی در حوزه حمل‌ونقل اینترنتی، تجارت الکترونیک، خدمات مالی و آموزش آنلاین نشان داده است که بازار ایران همچنان آماده پذیرش نوآوری و خدمات جدید است؛ البته به شرط آنکه این خدمات متناسب با نیازها و فرهنگ جامعه طراحی شوند.

بسیاری از موارد، پس از موفقیت یک محصول یا خدمت، نمونه‌های مشابه آن با تغییرات اندک وارد بازار می‌شوند. هرچند رقابت می‌تواند موجب بهبود کیفیت خدمات شود، اما ضعف در حمایت از نوآوری، انگیزه سرمایه‌گذاری در ایده‌های جدید را کاهش می‌دهد. به همین دلیل، تقویت نظام مالکیت فکری یکی از الزامات توسعه کار آفرینی در کشور به شمار می‌رود.

🔴 **آموزش‌های مهارتی: حلقه اتصال ایده و بازار**

کارشناسان معتقدند توسعه کارآفرینی بدون تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای امکان‌پذیر نیست. در کشورهای توسعه‌یافته، مراکز آموزش مهارتی ارتباط مستقیمی با صنایع، بازار کار و سرمایه‌گذاران دارند و بسیاری از کسب‌وکارهای جدید از دل همین مراکز شکل می‌گیرند. در ایران نیز اگرچه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای طی سال‌های اخیر گسترش یافته، اما همچنان فاصله میان نظام آموزشی، صنعت و بازار کار، یکی از موانع اصلی تبدیل مهارت به اشتغال و کار آفرینی محسوب می‌شود.

سخن پایانی

کار آفرینی در ایران نه مسیری کاملاً هموار است و نه راهی بی‌ست. مهم‌ترین چالش کار آفرینی در ایران کمبود ایده یا نیروی انسانی متخصص نیست. طی سال‌های اخیر هزاران فارغ‌التحصیل دانشگاهی، متخصص فناوری، مهندس و نیروی خلاق وارد بازار کار شده‌اند و شرکت‌های دانش‌بنیان نیز رشد قابل توجهی داشته‌اند، اما بسیاری از این ظرفیت‌ها به دلیل مشکلات ساختاری، فرصت تبدیل شدن به کسب‌وکارهای پایدار را پیدا نمی‌کنند. ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه فناوری، نیروی انسانی، بازار داخلی و اقتصاد دیجیتال وجود دارد که می‌تواند زمینه‌ساز شکست‌گیری کسب‌وکارهای موفق باشد، اما بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها نیازمند اصلاح محیط کسب‌وکار، ثبات در سیاست‌های اقتصادی، توسعه آموزش‌های مهارتی، تسهیل دسترسی به منابع مالی و تقویت حمایت از حقوق مالکیت فکری است. در نهایت، کار آفرینی زمانی می‌تواند به موتور محرک اقتصاد ایران تبدیل شود که ایده، مهارت، سرمایه و سیاست‌گذاری در کنار یکدیگر قرار گیرند و محیطی امن و قابل پیش‌بینی برای فعالیت بخش خصوصی فراهم شود.

ارزش کشاورزی رخ می‌دهد. فرسودگی ناوگان مکانیزه کاشت و برداشت، ضعف تکنولوژیک صنایع تبدیلی، فقدان سیستم حمل‌ونقل مجهز به زنجیره سرد و شیوه‌های سنتی انبارداری، از عوامل اصلی این اتلاف در مرحله پیش از مصرف هستند. یکی از بارزترین مصادیق این اتلاف ساختاری در زنجیره کالاهای اساسی، در بخش برنج مشهود است. گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی نشان می‌دهند که برنج سهمی ۱۰ درصدی در پرت غذایی کل کشور دارد؛ رقمی معادل سالانه نزدیک به یک میلیون تن هدررفت که تقریباً با کل حجم واردات سالانه این کالای استراتژیک برابری می‌کند. اتلاف این سرمایه‌دار کشور با بحران شدید تنش آبی، به معنای نابودی حجم عظیمی از «آب مجازی» است که برای تولید این محصولات در بیابان‌های خشک کشور با هزینه‌های گزاف زیست‌محیطی استحصال شده است.

🔴 **نتیجه‌گیری و الزامات راهبردی**

برون‌رفت از این چرخه مخرب، نیازمند تدوین یک سند ملی جامع و همسو با هدف ۱۲.۳ از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل متحد (SDG) است؛ هدفی که کاهش ۵۰ درصدی سرانه ضایعات غذایی تا سال ۲۰۳۰ را هدف‌گذاری کرده است. این راهبرد باید دو بازوی اجرایی داشته باشد: در سطح حاکمیتی: سرمایه‌گذاری در نوآوری ناوگان لجستیک و صنایع تبدیلی کشاورزی جهت به حداقل رساندن اتلاف پیش از مصرف. در سطح جامعه مدنی: آموزش همگانی و ترویج حقوق شهروندی در جهت اصلاح رفتارهای مصرفی خانوارها به عنوان یک زره دفاعی در برابر آسیب‌های تورمی. ایران باور بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازآفرینی رابطه میان «مصرف مسئولانه» و «بقای ملی» است؛ چرا که پایداری فردا، در گرو عقلانیت رفتاری و ساختاری امروز ماست.